

بررسی نقش دادگاه‌های داخلی کشور رواندا در محاکمه

جنایت کاران نسل‌کشی ۱۹۹۴

حمید میری^{۱*}، دکتر همایون مافی^۲

۱. کارشناس ارشد حقوق

۲. استادیار دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۸۸/۵/۲۵)

چکیده

در سال ۱۹۹۴ و در جریان درگیری‌های درونی کشور رواندا، قوم توتسی هدف کشتار توسط هوتوهای افراطی قرار گرفتند. سرمنشأ این درگیری‌ها، سقوط هواپیمای رییس جمهور این کشور بود. پس از فرونشاندن این مخاصمات، چندین محکمه کار پیگرد، محاکمه و مجازات مجرمان را آغاز نمودند. در کنار رسیدگی‌های دادگاه‌های خارجی و دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا، حکوت رواندا از آنجا که خود نیز به دنبال مشارکت در روند محاکمات و افزایش شتاب روند دادرسی‌ها به دلیل خیل عظیم بازداشت شدگان بود، از دادگاه‌های ملی بهره گرفت. بدین منظور دادگاه‌های ویژه‌ای برای محاکمه برخی از جنایتکاران جرایم مهم و دادگاه‌های گاکاکا با هدف مشارکت مردم در محاکمات برای دیگر جرایم تشکیل شدند. مقاله حاضر، به بررسی تحولات و رویدادهای پیش آمده در این زمینه می‌پردازد.

واژگان کلیدی

نسل‌کشی، دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا، دادگاه‌های ملی، گاکاکا، قوانین بنیادین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

حقیقتاً، قرن بیستم به درستی به عنوان «سده بحران‌ها»^۱ توصیف شده است. وقوع دو جنگ بزرگ جهانی، انقلاب‌های بزرگ، جنگ‌های استعماری و ضد استعماری و دیگر نزاع‌ها گواه استواری برای این گفته خواهد بود. در همین سده پر آشوب و در سال ۱۹۹۴، در کشور رواندا، نسل‌کشی بزرگی رخ داد. بی‌گمان، نسل‌کشی بزرگ‌ترین جرم بر ضد انسانیت است و آن عبارت است از نابود کردن یک دسته‌ی نژادی یا مذهبی و یا سیاسی از گونه انسان‌ها (شامیاتی، ۱۳۷۵، ص ۱۰). شانزده سال پیش در فاصله زمانی میان آوریل تا جولای ۱۹۹۴ میلادی در قوم کشی‌ای که در کشور روندا رخ داد افراد بسیاری به کام مرگ کشیده شدند. آمارهایی که از کشته‌شدگان این نسل‌کشی عظیم در دست است، متفاوت است. با این حال تخمین زده می‌شود که چیزی در حدود پانصد تا هشتصد هزار نفر که عمدتاً از قوم توتسی و شماری از هوتوهای میانه رو بودند^۲، در این نسل‌کشی بزرگ کشته شدند. البته دولت رواندا قربانیان را بیش از یک میلیون نفر برآورد کرده است ولی همین تعداد از کشته‌شدگان با توجه به جمعیت هشت میلیون این کشور تا حدود بسیاری شوک برانگیز است. کشتار به صورت علنی بود، طوری که برای همه آشکار بود چه اتفاق می‌افتد. هیچ گونه تلاشی هم برای پنهان ساختن اقدامات به کار بسته نشد. حتی از فن‌آوری نیز برای کاهش ددمنشی‌ها استفاده نشد و کشتار حتی با استفاده از ادوات کشاورزی در مقیاس گسترده به وقوع پیوست (پسکین^۳، ۲۰۰۱، ص ۱۵۵). آمارها از آن حکایت دارند که ۱۶/۸ درصد از کشته‌شدگان به وسیله چماق، ۱۴/۸ درصد به وسیله سلاح گرم، ۳۸ درصد به وسیله خنجر و دیگر وسایل همچون شمشیر، کارد، تخته سنگ و غرق کردن به قتل رسیدند (درومبل^۴، ۲۰۰۷، ص ۷۱)!

1. Age of Extremities

۲. شمار کشته‌شدگان هوتوی میانه رو ده تا سی هزار نفر برآورد شده است. این قربانیان بیش‌تر میانه روهایی بودند که با نسل‌کشی مخالفت می‌نمودند ولی در هر حال کشته‌شدن این افراد به خاطر سیاست و خط مشی هوتوهای تندرو بود نه به خاطر نژاد یا قومیت آن‌ها.

3. Peskin

4. Drumbi

اما سرآغاز این جنایات از کجا بود؟ در این باره باید اذعان داشت که تنش‌های میان هوتوها و توتسی‌ها ریشه تاریخی دارد. این اختلافات به خاطر دخالت استعمارگران شتاب بیش‌تری به خود گرفت و حتی پس از استقلال این کشور در سال ۱۹۶۰ پایان نیافت. پس از استقلال، بسیاری از توتسی‌ها به این خاطر که خود را در اقلیت می‌دیدند و از این واهمه داشتند به اوگاندا گریزان شدند. این افراد بعدها گروه سیاسی را تشکیل دادند که به جبهه مردمی رواندا شهرت یافت. این نیروها از شاخه نظامی که امروزه نیروی دفاعی رواندا خوانده می‌شوند، تشکیل یافته است. این گروه در اوایل ۱۹۹۰ میلادی به رواندا حمله ور شد که با واکنش ارتش رواندا ناکام ماند. به دنبال تهدیدات این گروه، رییس جمهور وقت هوتوی رواندا به نام « هابی آریمانا» که از سال ۱۹۷۳ در رأس حکومت بود، پیشنهاد تقسیم قدرت میان گروه‌های قومی و سیاسی را علناً ارایه داد. زیرا وی دیگر نمی‌توانست به تنهایی و بدون حمایت نیروهای خارجی رواندا را از بحرانی که دچار آن شده بود، نجات دهد. به همین دلیل، به دنبال تقسیم قدرت و ایجاد سیستمی چند حزبی در قدرت بود (گلاتلی^۳، ۲۰۰۳، ص ۳۳۳) و در گفتگویی‌هایی که در دارالسلام داشت، مجبور به پذیرش گفتگوها برای موافقت‌نامه‌های صلح شد (سبومانا^۴، ۱۹۹۹، ص ۵۴). اما آریمانا همراه با رییس جمهور وقت برونندی در ششم آوریل ۱۹۹۴ در یک سانحه هوایی مشکوک کشته شدند. هوتوهای افراطی که عمدتاً متشکل از مردان طرفدار دولت بودند، ساقط شدن هواپیمای حامل رییس جمهور را اعلان جنگ قلمداد کردند و به طور منظم، تسویه حساب با اقلیت توتسی و مخالفان رژیم هوتو را آغاز کردند. رهبران گروه‌های مخالف دولت به قتل رسیدند و تقریباً بلافاصله قتل عام توتسی‌ها و هوتوهای میانه‌رو آغاز شد. در عرض چند ساعت با اعزام نیروهای تازه به کارگماشته شده به گوشه و کنار رواندا، موج قتل عام این کشور را در بر گرفت. اما پس از گذشت سالیان دراز، این پرسش که چه کسی و یا کسانی عامل سقوط هواپیمای حامل رییس جمهور این کشور بودند و در نتیجه در وقوع نسل‌کشی در این

۱. باید توجه داشت که مفهوم مقررات مربوط به جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا این موضوع را منعکس می‌نماید که نسل‌کشی روانداییان بر اثر جنگ مسلحانه کاملاً داخلی اتفاق افتاد (Schabas, 2007: p. 12).

2. Rwandan Patriotic Front (RPF)
3. Gellately
4. Sibomana

کشور نقش داشتند، بی پاسخ مانده است. برخی، هوتوهای افراطی را که در پی خلاصی از دست رییس جمهوری بودند و مانعی بر سر راهشان به شمار می‌رفت، عامل این ترور معرفی می‌نمایند و بر این باورند که این حمله به نوعی نشانه‌هایی برای کشتار توتسی‌ها و مخالفان حکومت بود. زیرا قتل آریمانا که درست در زمانی رخ داد که او در حال بازگشت از آروشا، محل انجام گفتگوهای صلح بود، به منزله پیغامی برای آغاز جنایات برضد توتسی‌ها برای هوتوها به شمار می‌رفت (گلیتی، همان). برخی دیگر جبهه مردمی رواندا را به این خاطر که موافقت‌نامه صلح آروشا^۱ به سودشان نبود، عامل این حادثه می‌دانند، زیرا این موافقت‌نامه تنها این گروه را در بخشی از قدرت سهیم می‌نمود، حال آنکه آنان به دنبال در دست گرفتن همه قدرت بودند. دولت کنونی رواندا به رهبری کاگامی نیز، فرانسه را عامل این سقوط می‌داند، اما مقامات فرانسه متقابلاً دولت رواندا را به عنوان عامل معرفی می‌نمایند. اما به نظر می‌رسد، ادله کافی موجود است که نشان دهد، هوتوهای افراطی که از اصلاحات قدرت توسط هابی آریمانا ناراحت بودند، دست به این اقدامات زدند.^۲

با وقوع جنایات در این کشور جبهه مردمی رواندا تنها گروهی بود که به طور فعالانه‌ای به دنبال توقف کشتار بود. در حقیقت اقدامات نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد، در زمان وقوع نسل‌کشی، ضعیف و نامؤثر بود (مافی و میری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). در بهار ۱۹۹۴، شاخه

۱. موافقت‌نامه صلح آروشا مجموعه‌ای بود از پنج سنا که در ۲۲ آوریل ۱۹۹۴ امضا شد. این موافقت‌نامه شامل تقسیم قدرت، بازگردانی و اسکان مهاجران و بی‌خانمانان داخلی و ادغام نیروهای مسلح بود. این موافقت‌نامه در ۴ اگوست ۱۹۹۳ امضا شد و قرار بود ظرف مدت ۳۷ روز اجرا گردد. برای اطلاعات بیشتر ببینید وبسایت رسمی جمهوری رواندا را:

http://www.gov.rw/page.php?id_article=61

۲. بر خلاف آنچه دولت‌های غربی در زمان وقوع نسل‌کشی در رواندا باور داشتند، کشتار در رواندا یک جنگ آشفته قبیله‌ای نبود، بلکه یک طرح سیاسی بود که خیلی دقیق به اجرا درآمد. جین کامباندا (۲)، نخست‌وزیر رواندا در زمان درگیری‌ها، در دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا تأیید نمود که در سال ۱۹۹۴ تهاجم گسترده و منظمی علیه مردم توتسی با قصد نابود کردن آن‌ها صورت گرفت. او تأیید کرد که به دنبال جلسات متعدد هیأت وزیران در ۸ آوریل ۱۹۹۴ تا ۱۷ جولای ۱۹۹۴ برای انجام کشتار، کمک‌هایی به جانان و برنامه ریزان نموده است و هدف کشتار شهروندان رواندایی به ویژه توتسی‌ها و هوتوهای میانه رو بوده است (چیدو مگالو (۲)، ۲۰۰۵:ص ۱۷۵). در هر حال گروه جنگ طلب افراطی هوتو که جانشین رییس جمهور کشته‌شده این کشور شده بودند، با شتاب هر چه بیشتر اقدام به عملی کردن برنامه‌های از پیش طراحی شده خود برای نسل‌کشی نمودند.

نظامی این گروه^۱ بار دیگر به رواندا هجوم آورد. ارتش رژیم هوتو این بار نتوانست مانع این گروه شود و در اواسط ۱۹۹۴، جبهه مردمی رواندا قدرت را در این کشور در دست گرفت. با این حال، حتی پس از گذشت سال‌ها از پایان درگیری‌ها در رواندا جستجو برای یافتن مسببین و آغازگران نسل‌کشی در رواندا، همچنان ادامه دارد. از جبهه مردمی رواندا که متشکل از اقلیت توتسی در زمان رویداد این حوادث بودند از جمله اصلی‌ترین مظنونان یاد می‌شود. در جریان نسل‌کشی در این کشور حضور این جبهه و به ویژه شاخه نظامی آن به نحو بارزی نمود داشت. اما سخن این است که این حضور در جهت توقف نسل‌کشی بوده است یا استمرار آن؟ تردیدی وجود ندارد که این گروه که متشکل از نژاد توتسی بودند، اصلی‌ترین و تنها گروهی بود که توانست فاجعه انسانی بزرگ در این کشور را متوقف کند. به دیگر سخن، شکی نیست که هدف اصلی کشتار، توتسی‌ها بودند که توسط هوتوهای تندرو به قتل می‌رسیدند. نسل‌کشی در رواندا به دلایلی چون پیروی سیاسی، تعصبات قومی و نژادی و اعتقاد به برتری نژادی به وقوع پیوست. بر همین اساس بود که کمیسیون کارشناسان مستقل سازمان ملل^۲ در سال ۱۹۹۴ با انتشار چندگزارش ابراز داشت که در طول مخاصمات رواندا، هیچ مدرکی دال بر اینکه اکثریت قربانیان این نسل‌کشی که عمدتاً از نژاد توتسی تشکیل می‌یافتند، قصد یا هدفی برای نابودی نژاد هوتو داشتند، یافت نشده است. البته این گزارش با تأیید کشتار هوتوها توسط سربازان جبهه مردمی رواندا، بیانگر این مطلب نیز می‌باشد که هیچ مدرکی دال بر اینکه کشتار هوتوها توسط این گروه به طور منظم و یا تأیید شده از سوی صاحب منصبان این گروه و یا فرماندهان این نیروها صورت پذیرفته است، به دست نیامده است. این گزارش مشخص می‌کند که برخی از سربازان این گروه از روی کینه و انگیزه‌های شخصی برخی را بدون محاکمه اعدام کرده‌اند. این تعداد نیز که حدود هفتاد نفر می‌شدند، توسط ارتش رواندا به دلیل نقض مقررات نظامی و انجام اعمال با نیت شخصی محاکمه شدند (عثمان^۳، ۲۰۰۵، ص ۱۷۸).

از این گزارشات به خوبی بر می‌آید که هرچند این گروه نقش بسزایی در توقف نسل‌کشی

1. Rwandan Patriotic Army (RPA)

2. Preliminary and Final Report of the Independent Commission of Experts established in accordance with Security Council Resolution 935 (1994), 1994

3. Chande Othman

بازی نمود، ولی خود نیز در انجام اقدامات مشابه تا حدودی دست داشته و از قدرت به دست آمده سوء استفاده کرده است.^۱ دولت رواندا در خصوص محاکمه این گروه استدلال می‌نمود که جرایم ارتكابی این گروه هیچ‌گاه نمی‌بایست هم ردیف جرایم ارتكابی آشوبگران اصلی (اعم از نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت) قرار گیرد، زیرا این گروه نه تنها نسل‌کشی را متوقف نمود، بلکه هم‌چنین به دفاع از ملت رواندا در مقابل جانیان نیز پرداخته است. فارغ از همه این‌ها، همان‌طور که بخشی از مرتکبان اعمال خلاف حقوق بشر، در سال ۱۹۹۹ در دادگاه‌های ملی محاکمه و به مجازات مرگ محکوم شدند، این بار نیز محاکم داخلی صلاحیت رسیدگی به اعمال این گروه را خواهند داشت نه دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا.

پس از فرو نشاندن درگیری‌ها و جنگ داخلی از آنجا که خواست مردم رنج دیده این کشور و نیز انتظارات جامعه جهانی بر تعقیب و محاکمه همه اشخاص مسؤول در رویداد این جنایات گسترده بود، به دلیل حجم گسترده بازداشت شدگان و متهمان، چندین محکمه به رسیدگی به جنایات جانیان پرداختند. البته آنچه در بیش‌تر نوشته‌های حقوقی در رابطه با درگیری‌های رواندا دیده می‌شود، تمرکز بر دادگاه بین‌المللی کیفری این کشور است. ولی باید دانست که به موازات رسیدگی‌های این دادگاه در کشور رواندا مراجعی چون دادگاه‌های ملی، دادگاه‌های گاکاکا و نیز دادگاه‌های ملی خارجی به تعقیب و محاکمه جانیان پرداختند. به این ترتیب، برای روشن شدن زوایای رسیدگی‌های دادگاه‌های داخلی رواندا به جرایم رخ داده در جریان نسل‌کشی در این کشور، به ساختار و تشکیلات قضایی و صلاحیت‌های آن‌ها و نیز روند محاکمات و پی‌آمدهای آن‌ها، در این نوشتار پرداخته خواهد شد.

مبنای صلاحیت دادگاه‌های ملی و گاکاکا قوانین بنیادین است که در همین رابطه مورد تصویب قرار گرفته‌اند که در جریان رایه توضیح و تفسیر پیرامون ساختار قضایی این دادگاه‌ها به بررسی این قوانین نیز پرداخته خواهد شد. بر اساس آنچه که گفته شد، در بخش نخست این مقاله به تحلیل دورنمای درگیری‌ها و خشونت‌ها در جریان نسل‌کشی در سال ۱۹۹۴ و تبیین رسیدگی‌های دادگاه‌های خارجی و نیز دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا پرداخته می‌گردد و در بخش دیگر به بررسی تشکیلات قضایی داخلی که کار رسیدگی به جنایات را بر عهده داشتند،

1. International Amnesty: A question of Justice, 16 December 2002. Retrieved from the world wide web (2007): <http://www.amnesty.org> (last visited 2008).

ساختار، صلاحیت‌ها و مشکلاتی که این تشکیلات در جریان کاری خود با آن‌ها روبرو بودند، مبادرت خواهد شد.

تشکیلات قضایی رسیدگی‌کننده به جرایم به وقوع پیوسته در رواندا

درگیری‌های سال ۱۹۹۴ نزدیک به چهارصد هزار بیوه، پانصد هزاریتیم و نزدیک به یکصد و سی هزار متهم به زندان افتاده بر جای گذاشت. ناگفته پیداست که رسیدگی به اتهامات این شمار از بازداشت شدگان نیازمند وجود تشکیلات قضایی توانمند و گسترده است. به طور کلی، رسیدگی قضایی به جنایات رخ داده در جریان نسل‌کشی در رواندا از چهار طریق صورت گرفت:

۱. دادگاه‌های داخلی

۲. دادگاه‌های ملی خارجی

۳. دادگاه‌های گاکاکا^۱

۴. دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا^۲

مبنای صلاحیت دادگاه‌های داخلی و نظامی بر طبق قانون بنیادین^۳ مصوب ۱۹۹۶ و قانون

بنیادین ۲۰۰۰ و اصلاحات بعدی^۴ برای محاکم گاکاکا طرح ریزی شده است.

1. Gacaca

2. International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR)

3. The Organic Law

4. Organic Law N° 40/2000 of 26/01/2001 Setting up "GACACA JURISDICTIONS" and Organizing Prosecutions for offences Constituting The Crime of Genocide or Crimes against Humanity Committed Between October 1, 1990 and December 31, 1994. Official Gazette of the Republic of Rwanda n°6 (15 March 2001) organic Law N° 33/2001 Of 22 June 2001 Modifying And Supplementing The organic Law N° 40/2000 OF 26 January 2001. Official Gazette of the Republic of Rwanda n°14 (15 July 2001); organic Law No. 16/2004 of 19 June 2004 Establishing The Organization, Competence and Functioning of GACACA Courts Charged With Prosecuting and Trying The Perpetrators of The Crime Of Genocide and Other Crimes against Humanity, Committed Between 1 October 1990 and 31 December 1994. Official Gazette of the Republic of Rwanda, Special Edition (19 June 2004). Organic Law N° 28/2006 of 27/06/2006 Modifying and Complementing Organic Law N° 16/2004 OF 19/06/2004; organic Law N° 10/2007 OF 01/03/2007 Modifying and Complementing Organic Law N°16/2004 of 19/6/2004. Official Gazette of the Republic of Rwanda No 5 (1 March

نگاهی به رسیدگی دادگاه‌های خارجی و دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا به جرایم متهمان رسیدگی دادگاه‌های ملی خارجی:

دادگاه‌های ملی خارجی نیز به برخی از دعاوی مرتبط با نسل‌کشی این کشور رسیدگی نموده‌اند. برخی از این دعاوی بر مبنای صلاحیت جهانی^۱ و برخی دیگر بر مبنای اقامت مشتکی عنه در قلمرو آن کشورها اقامه گردیده است. با این حال شمار این دعاوی بسیار اندک و انگشت شمارند. از جمله این محاکمات می‌توان به پرونده فلورن نیوتوز^۲ اشاره داشت که در آن متهم توسط دادگاه نظامی سوئیس مورد محاکمه قرار گرفت. صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم این متهم به نسل‌کشی در رواندا بر این پایه استوار بود که او دو سال پیش از آنکه در رواندا بخشدار شود، در سوئیس اقامت داشته بود. او به کشتار توتسی‌ها و مدارا با هوتوها متهم شد و در ۲۹ آوریل ۱۹۹۹ دادگاه نظامی سوئیس او را به خاطر قتل سه نفر و شروع به قتل عمد دیگری و نقض معاهدات بین‌المللی مسئول شناخت و او را به حبس ابد محکوم کرد، هر چند حکم او پس از پژوهش‌های خواهی به چهارده سال زندان کاهش یافت.

در پرونده دیگری به سال ۲۰۰۱ در بلژیک، هیأت منصفه این کشور، چهار متهم رواندایی مقیم در بلژیک را که دو تن از آن‌ها راهبه بودند، به خاطر انجام جنایات بین‌المللی و داخلی متعدد مسئول شناخت و بر اساس قوانین کیفری بلژیک، متهمان را به ۲۰، ۱۵ و دو تن از آن‌ها را به ۱۲ سال زندان محکوم نمود. افزون بر آن، متهمان مزبور، محکوم به پرداخت خسارات مدنی نیز گردیدند. در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۵ نیز دو بازرگان رواندایی به جرم کمک برای ارتکاب جنایت جنگی و بر مبنای صلاحیت جهانی توسط هیأت منصفه بلژیک محاکمه و به ۱۲ و ۱۰ سال زندان محکوم گردیدند. در پرونده دیگری در همین کشور در سال ۲۰۰۰ وزیر امور خارجه کنگو به خاطر اظهاراتی مبنی بر «پست بودن مردمان توتسی» و درخواست ریشه کن کردن آنها^۳ که به باور بازپرس بلژیکی نقض کننده حقوق بشر بود، بازداشت شد. به غیر از موارد ذکر شده،

2007. Organic Law modifying and complementing Organic Law n°16/2004 of 19/6/2004 (N° 13/2008 of 19/05/2007).

1. Universal Jurisdiction

صلاحیت جهانی به معنای اعمال صلاحیت کیفری دادگاه‌های داخلی نسبت به اعمال مجرمانه‌ای است که هر

کسی در هر کجای این جهان مرتکب شده باشد (رنجبران، ۱۳۸۱: ص. ۱۳۱)

2. Fulgence Niyonteze

در سال‌های گذشته، ده‌ها نفر در کشورهای چون دانمارک، آلمان و سوئیس به خاطر جرایم ارتكابی در یوگوسلاوی سابق و رواندا بر مبنای صلاحیت جهانی به پای میز محاکمه کشیده شده‌اند (کامینگا^۱، ۱۳۸۲، ص ۶۶).

رسیدگی دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا - اثر بازدارندگی محاکمات و کنسیدی رسیدگی -

بی‌تردید هدف اصلی و اساسی از ایجاد دادگاه بین‌المللی کیفری همانا کیفر جانپان و اشاعه جنبه بازدارندگی آن است (هلر^۲، ۲۰۰۷، ص ۵) البته، حذف رویه نادرست گریز از کیفر در کشور رواندا از دیگر اهداف استقرار این دادگاه به شمار می‌آید که هم از سوی سازمان‌های بین‌المللی ایجادکننده‌ی این دادگاه و هم حکومت رواندا لحاظ گردیده است. اگرچه گریز سربازان جنایتکار جبهه مردمی رواندا از مجازات، مانعی بر سر راه پیگیری کامل این هدف به شمار می‌آید (الترینگم^۳، ۲۰۰۴، ص ۱۱۰). شورای امنیت سازمان ملل متحد در مقدمه اساسنامه این دادگاه، یکی از اهداف عملی و نظری محاکمه و مجازات جنایتکاران را جنبه بازدارندگی در برابر حوادث مشابه دانسته است. اما در این باره که این دادگاه تا چه اندازه در کار خود در این راستا موفق بوده است، نمی‌توان پاسخ قاطعی داد. یکی از مشکلاتی که این دادگاه با آن روبرو بوده است، محدودیت صلاحیت زمانی این دادگاه و به عبارت دیگر، در نظر گرفتن پایانی برای صلاحیت زمانی است. این درحالی است که در مورد دادگاه بین‌المللی کیفری یوگوسلاوی سابق، پایانی برای صلاحیت زمانی آن در نظر گرفته نشد. در نتیجه، این دادگاه صلاحیت رسیدگی به جنایات رخ داده در کزوو را نیز داشت. البته گسترش صلاحیت دادگاه بین‌المللی رواندا به برخی از کشورهای همسایه تا اندازه‌ای این ضعف را دست کم از لحاظ

1. kamminga

2. Heller

3. Eltrinaghham

4. “. . . Persons responsible for serious violations of international humanitarian law committed in the territory of the former Yugoslavia since 1991.” UN Doc. S/RES/808 (1993) and UN Doc. S/RES/827 (1993).

در ماده ۸ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یوگوسلاوی سابق و قطع‌نامه ۸۲۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد مورخ ۲۳ ماه مه ۱۹۹۳ صلاحیت این دادگاه از لحاظ زمان و مکان ارتكاب جرم محدود به اعمالی است که در سرزمین یوگوسلاوی سابق در فاصله‌ی زمانی اول ژانویه ۱۹۹۱ و تاریخی که شورای امنیت پس از استقرار صلح تعیین خواهد کرد، ارتكاب یافته و می‌یابند. (داوود، ۱۳۸۲: ص ۲۱۸)

صلاحیت مکانی حل نمود و در نتیجه، همچنان که اساسنامه این دادگاه در ماده یک تصریح دارد، صلاحیت مکانی این دادگاه، کشورهای همسایه را نیز در بر خواهد گرفت. با وجود این، تردیدی نیست که محاکمات این دادگاه جنبه بازدارنده‌ای نسبت به جرایم رخ داده مثلاً در دارفور سودان یا جمهوری دموکراتیک کنگو نداشته است.

هم چنین دلایلی چون پشتوانه مالی اندک این دادگاه (مافی و میری، همان، ص ۱۰۶) و ضعف ساختاری و سازمانی این دادگاه و نیز اشتراک برخی نهادها همچون دادستانی با دادگاه بین‌المللی کیفری یوگوسلاوی سابق، نه تنها منجر به آغاز به کار دیر هنگام این دادگاه (لانگ من^۱، ۲۰۰۹، ص ۳۰۵) و کم رنگ شدن اثر بازدارندگی این دادگاه در کشور رواندا شد (فازراب^۲، ۲۰۰۴، ص ۱۳۸). بلکه هم چنین سبب کندی رسیدگی به دعاوی گردید. زیرا اگرچه محاکمه‌ی شاخص‌ترین متهمان به نسل‌کشی از سوی دادگاه بین‌المللی رواندا صورت گرفت، ولی تاکنون تنها برای ۶۱ متهم حکم صادر شده است. ۲۳ محاکمه همچنان در جریان است و ۱۸ متهم که توسط این دادگاه برای آنها حکم صادر شده است هنوز فراری هستند^۳. این در حالی است که دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا از سوی شورای امنیت و با هدف پایان دادن محاکمات تا پایان سال ۲۰۰۸ تأسیس گردیده است. از زمان آغاز به کار، این دادگاه تنها اعضا و حامیان حکومت وقت در سال ۱۹۹۴ را محاکمه نموده است. ولی به طور کامل صلاحیت خویش را برای بررسی در مورد همه جنایات جنگی و جنایاتی که علیه بشریت در سال ۱۹۹۴ رخ داده است و به ویژه جنایات ارتکاب یافته توسط جبهه مردمی رواندا نتوانسته اعمال نماید^۴. از سوی دیگر، اعمال اصول و قواعد حقوق بین‌المللی کیفری اگر چه به عنوان واکنشی نسبت به جنایات ضرورت دارد، ولی اعمال آنها نمی‌تواند به طور کلی، ریشه‌های درگیری‌هایی که می‌توانند جنبه‌های اجتماعی، روانی و سیاسی داشته باشند، از میان ببرد (چیدمگالو^۵، همان، ص ۲۰۳).

1. Longman

2. Fathrap

3. Status of Cases (Official web Site of ICTR) .available at:

<http://69.94.11.53/ENGLISH/cases/status.htm>

4. Rwanda - Amnesty International Report 2008 .Ibid

5. Chiedu Moghalu

دادگاه‌های داخلی

خواسته ملت ستم دیده رواندا در محاکمه هر چه سریع‌تر جنایتکاران و نیاز به بازسازی نظام قضایی آسیب دیده این کشور، منجر به ایجاد دادگاه‌های ویژه‌ای از میان دادگاه‌های عادی این کشور برای محاکمه اشخاص متهم به جنایات صورت گرفته در جریان نسل‌کشی در این کشور شد. همان‌طور که ماده یک قانون بنیادین مصوب ۱۹۹۶ که تأسیس‌کننده‌ی این دادگاه‌هاست، بیان می‌دارد، هدف از ایجاد چنین مراجعی محاکمه اشخاصی است که مرتکب جرایمی از اول اکتبر ۱۹۹۴ شده‌اند. بر این اساس، این دادگاه‌ها نیز همچون دادگاه بین‌المللی کیفری در راستای استقرار مفهوم عدالت جزایی و تنبیهی تنها به کیفر مجرمان توجه نموده‌اند.

ساختار و تشکیلات قضایی

به موجب قانون بنیادین، دادگاه‌های ویژه‌ای با صلاحیت انحصاری برای محاکمه جرایم مندرج در ماده یک این قانون تشکیل می‌گردند. هر دادگاه ویژه می‌تواند چند شعبه داشته باشد. یک یا چند شعبه از این دادگاه‌ها ویژه رسیدگی به جرایم کودکان می‌باشند که این شعبات صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به جرایم رخ داده مندرج در ماده یک این قانون را دارا هستند. دادگاه‌های ویژه می‌توانند چندین شعبه داشته باشند که این شعبات شایستگی استماع برخی از دعاوی را به عنوان شعبات سیار در هر محلی که مستقر در حوزه قضایی آن‌هاست، برای مدت زمانی که رییس دادگاه لازم ببیند، خواهند داشت.

هر دادگاه ویژه، متشکل از شماری از دادرسان شاغل و جانشین (در صورت نیاز) است. این دادرسان موظف به رعایت رهنمودهای معاون رییس دادگاه و یا دادگاه‌های نظامی هستند. دادرسان شاغل و رؤسای دادگاه‌های ویژه با حکم رییس دیوان عالی رواندا انتخاب خواهند شد. هر شعبه از دادگاه‌های ویژه متشکل از سه دادرس همراه با رییس قضا است که از سوی رییس دادگاه ویژه انتخاب می‌شوند.

اعضای دادستانی دادگاه‌های ویژه توسط دادستان کل دادگاه پژوهش انتخاب می‌شوند. اعضای دادستانی دادگاه پژوهش مسؤول رسیدگی به درخواست تجدیدنظر خواهی از آرای

1. The Organic Law No 8/96 on the Organization of Prosecutions for Offence Constituting the Crime of Genocide or Crimes against Humanity Committed since 1 October 1990. available at: <http://preventgenocide.org/law/domestic/rwanda.htm>

دادگاه‌های ویژه هستند.

آرای دادگاه‌های ویژه را قابل پژوهش و فرجام می‌داند. مهلت پژوهش‌خواهی پانزده روز از زمان صدور حکم محکومیت است. پژوهش‌خواهی تنها باید مستند به اشتباهات آشکار قانونی باشد. دادگاه پژوهش باید ظرف مدت سه ماه در مورد درستی درخواست پژوهش‌خواهی اظهار نظر نماید. در جایی که دادگاه پژوهش، شخصی را به مجازات مرگ محکوم می‌نماید، شخص محکوم می‌تواند ظرف مدت ۱۵ روز از زمان صدور حکم محکومیت فرجام‌خواهی نماید. مرجع رسیدگی به این درخواست باید ظرف مدت ۹۰ روز در مورد درستی درخواست فرجام‌خواهی تصمیم بگیرد.

صلاحیت‌ها

صلاحیت موضوعی

ماده یک قانون بنیادین مصوب ۱۹۹۶ صلاحیت رسیدگی به جرایم مرتبط به نسل‌کشی را به دادگاه‌های ویژه اعطا نموده است. به طور کلی، بخش نخست محدوده صلاحیت موضوعی این دادگاه‌ها، بر جرایم بین‌المللی و بخش دیگر بر جرایم موصوف در قانون مجازات این کشور تمرکز یافته است. به موجب این ماده: «نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت بنا به تعاریف مندرج در کنوانسیون منع و مجازات جنایت نسل‌کشی مصوب دسامبر ۱۹۴۸، معاهده ژنو مرتبط با محافظت از شهروندان در هنگام جنگ مصوب ۱۲ آگوست ۱۹۴۹ و نیز در معاهده عدم امکان اعمال محدودیت‌های قانونی بر جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت مصوب ۲۶ نوامبر ۱۹۴۸ که همگی توسط حکومت رواندا تصویب شده‌اند و نیز جرایم مندرج در قانون مجازات رواندا که قابل رسیدگی در دادگاه‌های ویژه هستند، صورت می‌گیرد.» نکته مهم این است که به موجب ماده ۳۸، اگر کسی پس از دسامبر ۱۹۹۴ مرتکب جرم نسل‌کشی یا جرایم علیه بشریت گردد، به جرم او بر اساس مقررات قانون مجازات رواندا رسیدگی خواهد شد. در این صورت او سزاوار تخفیف مندرج در این قانون نخواهد بود.

صلاحیت زمانی

ماده یک قانون بنیادین محدوده زمانی صلاحیت دادگاه‌های ویژه را از اول اکتبر ۱۹۹۰ اعلام نموده است، ولی پایانی برای آن مشخص ننموده است، ولی با وجود این، ماده ۲ در تعیین فهرست مجرمان از انتهای صلاحیت زمانی به سال ۱۹۹۴ سخن به میان آورده است.

صلاحیت مکانی

در قانون بنیادین تصریحی به محدوده صلاحیت مکانی این دادگاه‌ها نشده است، ولی روشن است که قلمرو صلاحیت این دادگاه‌ها بر اساس اصل سرزمینی بودن جرایم، بر جرایم رخ داده در این کشور در فاصله زمانی یاد شده محدود می‌گردد.

صلاحیت شخصی

ماده ۲ قانون بنیادین بیان می‌دارد که اشخاص متهم به ارتکاب جنایات مندرج در ماده یک این قانون بر اساس فهرست‌هایی طبقه‌بندی می‌گردند؛ فهرست نخست شامل اشخاص زیر می‌گردد؛

۱. کسانی که اعمال مجرمانه زیر را انجام داده‌اند و یا دخالت آن‌ها در جریان ارتکاب جنایات آن‌ها را در ردیف برنامه‌ریزان، سازمان دهندگان، جستجوگران، ناظران و رهبران نسل‌کشی و یا جنایات علیه بشریت قرار می‌دهد. ۲. کسانی که در جایگاه اعمال قدرت و مقام حکومتی، استانی، شهری، بخشی، روستایی، حزبی، سیاسی قرار داشته‌اند و جنایات علیه بشریت یا نسل‌کشی را مرتکب شده‌اند. ۳. قاتلین بالفطره که به خاطر ذات ناسالم خود مرتکب جنایت شده‌اند و خودشان را در مناطق مسکونی پنهان نموده‌اند. ۴. کسانی که جنایاتی را همراه با شکنجه جنسی مرتکب شده‌اند.

فهرست دوم شامل کسانی می‌گردد که اعمال مجرمانه زیر را انجام داده‌اند و یا دخالت آن‌ها در ارتکاب جنایات آن‌ها را در ردیف مباشران، برنامه‌ریزان انجام قتل عمد و یا انجام تجاوز جدی بر شخصی که منجر به مرگ شده است، قرار می‌دهد.

فهرست سوم شامل کسانی می‌گردد که تجاوزات جدی بر اشخاص را انجام داده‌اند و یا دخالت آن‌ها در جریان ارتکاب آن جنایات، آن‌ها را در ردیف مقصران تجاوزات جدی بر اشخاص قرار می‌دهد.

فهرست چهارم شامل کسانی می‌گردد که جرایم علیه اموال را مرتکب شده‌اند.

باید یادآور شد که به موجب ماده ۳ این قانون، رایه کمک‌های اساسی در جریان ارتکاب جرم و یا منحرف نمودن پیگرد جزایی مجرمان و یا خودداری از رایه اطلاعات در مورد مجرمان، به مثابه شرکت در جرم قلمداد شده است.

مجازات‌های قابل اعمال

به موجب ماده ۱۴ قانون بنیادین، مجازات‌های مقرر شده برای ارتکاب جرایم مندرج در ماده یک همان کیفرهای مقرر شده در قانون مجازات رواندا خواهد بود مگر؛

۱. اشخاصی که جرم ارتکاب یافته توسط آنها، آنان را در فهرست نخست بیان شده در ماده ۲ قرار دهد که به مجازات مرگ محکوم خواهند شد.
۲. اشخاصی که در فهرست دوم قرار می‌گیرند، در مورد آنها مجازات حبس ابد جایگزین مجازات مرگ می‌گردد.
۳. چنانچه اعتراف مجرم پذیرفته شود، در این صورت مواد ۱۵ و ۱۶ این قانون در مورد آثار پذیرش اعتراف اعمال خواهد شد.
۴. کیفر مجرمان مشمول فهرست چهارم جبران خسارات مدنی خواهد بود که بر مبنای توافق دوستانه میان طرفین با یاری مردم و در غیر اینصورت بر طبق مقررات آیین دادرسی مدنی و کیفری رسیدگی خواهد شد.

به موجب مقررات این قانون، مجازات تبعی شامل حال برخی از مجرمان می‌گردد. این اشخاص از همه یا برخی از حقوق اجتماعی محروم خواهند شد به این صورت که؛ اشخاص مشمول فهرست نخست از همه حقوق اجتماعی محروم خواهند شد، اشخاص مشمول فهرست دوم از حقوق اجتماعی مقرر در ماده ۶۶ قانون مجازات این کشور محروم خواهند شد و اشخاص مندرج در فهرست سوم نیز از برخی از حقوق اجتماعی محروم خواهند شد (ماده ۱۷ قانون بنیادین).

از دیگر نکات اینکه به موجب ماده ۸ این قانون و بر خلاف ماده ۹۴ قانون مجازات رواندا در صورت تعدد جرم، مجازات شدیدترین جرم داده خواهد شد.

حمایت از قربانی و حقوق متهم

حق دریافت ضرر و زیان ناشی از جرم

جدای از حق دریافت خسارت برای ارتکاب جرایم علیه اموال، فصل هفتم از قانون بنیادین درباره ضرر و زیان ناشی از جرم اختصاص یافته است. مواد ۲۷ تا ۳۲ این قانون به حق دریافت ضرر و زیان ناشی از جرم توجه ویژه‌ای نموده است.

به موجب ماده ۳۰، اشخاصی که در فهرست نخست مندرج در ماده ۲ این قانون قرار

می‌گیرند، مشترکا و یا به تنهایی در مقابل همه خساراتی که در این کشور از جنایات ارتكابی آنها ناشی شده است، صرف‌نظر از محلی که جرم در آنجا رخ داده است، مسؤول خواهند بود. اشخاصی که در فهرست دوم تا چهارم قرار می‌گیرند نیز مسؤول خساراتی که برخاسته از اعمال مجرمانه آنهاست، خواهند بود.

حق دریافت این خسارات بدون تبعیض حق همه قربانیان است، حتی آنهایی که قابل شناسایی نیستند. در همین رابطه ماده ۳۲ مقرر می‌دارد «خساراتی که به قربانی‌ای که هنوز شناسایی نشده است، تعلق می‌گیرد، در صندوق غرامات قربانیان برای آنها ذخیره می‌گردد». حتی اگر متهم در جریان دادرسی بمیرد و یا مشمول عفو نسبت به جنبه کیفری جرم گردد، همچنان در قبال خسارات ناشی از جرم مسؤول خواهد بود. هم‌چنین به موجب ماده ۲۸ دادستان کل، وظیفه درخواست خسارات به نیابت از کودکان و اشخاصی را که توانایی درخواست ندارند، خواهد داشت.

به موجب ماده ۲۸ در هر زمان از آغاز تحقیق و پیگرد تا صدور حکم نهایی، رییس دادگاه ویژه می‌تواند بر مبنای درخواست کتبی قربانی جرم و یا دادستانی، همه ابزارها و روش‌های محافظتی و حمایتی مورد نیاز برای تأمین منافع مدنی قربانی را به کار بندد.

در همین رابطه باید توجه داشت، اگر متهمی به طور کامل از اتهامات تبرئه شود، امکان اقامه دعوای مدنی برای مطالبه خسارات وجود نخواهد داشت. البته این به این معنا نیست که شخص مجرم در هر حال محکوم به پرداخت خسارات نیز خواهد شد. همچنان‌که در پرونده‌ای در گیکونگورو^۱ دادگاه بدوی با وجود اینکه متهم را مجرم شناخت، او را به پرداخت خسارات به نفع بازماندگان کشته‌شده محکوم نکرد. در تعیین خسارت در دادگاه‌های ملی این کشور معمول است که خسارات را بر مبنای جزییات بسیاری مورد بررسی و برآورد قرار می‌دهند. چنان‌که در پرونده مزبور^۲ دادگاه بدوی فهرست بلند بالایی را برای ارزیابی میزان خسارت تهیه کرد. در این فهرست حتی مدتی که یکی از قربانیان مجبور بود برای پنهان کردن خود از دید

1. Ministère Public v. Bizimana alias Mabuye (February 20, 2002, 1^{ière} instance, Gikongoro). RMP 42. 031/S8/NKM/NRA .R. P. 0098/3/GIRO

2. Ministère Public v. Rwanteli et al. (Oct. 8, 1997, 1^{ière} instance Cyangugu). RMP 78 003/S2/NY. U/BMG .RP 003/97/CS

جانان پشت حصارى از چوب سپرى كند، در تعيين خسارات مورد توجه قرار گرفت و در نهايت خوانده به پرداخت ۲۴ ميليون فرانك رواندا محكوم گرديد. توجه دادگاه‌هاى داخلى به پرداخت خسارت بر مبنای این جزیی نگرى شایسته تحسین است.

جاری نشدن مرور زمان

به موجب ماده ۳۷ پیگرد و مجازات مجرمان جرایم علیه بشریت مشمول مرور زمان دعاوى كیفرى نخواهند شد. در نتیجه، هر هنگام كه متهم يافت گردد، قابل محاکمه و مجازات خواهد بود.

حقوق متهم

حق داشتن وکیل

همچون دادگاه بین‌المللی رواندا كه در اساسنامه این دادگاه، به حق داشتن وکیل تصریح شده است، به گونه‌ای كه حتى با جزیی از متهم نباید بدون حضور وکیل او باشد (كوشل، ۱۳۸۵، ص ۲۳). به موجب ماده ۳۶ قانون بنیادین نیز، اشخاص تحت تعقیب بر مبنای مقررات این قانون، از همان حقوق دفاع برای دیگر اشخاص مشمول پیگرد قانونی از جمله حق انتخاب وکیل مدافع برخوردار خواهند بود.

حق تخفیف در مجازات

در دادگاه‌های ویژه، قوانین كیفرى با توجه به اصول و قواعد حقوقی این کشور مورد اعمال قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، دادگاه‌ها موجبات مخففه‌ای را كه بر مجرمان معمولی اعمال می‌کنند، بر مجرمان نسل‌کش نیز قابل اجرا دانسته‌اند. با این حال، حق تخفیف در مجازات با حق اعتراف مجرم به جنایات ارتكابی خود گره خورده است به گونه‌ای كه مجرم با توسل به اعتراف می‌تواند از تخفیف در مجازات برخوردار گردد.

به موجب ماده ۶ این قانون، اعتراف باید حاوی بیان مشروحي از همه جرایم مندرج در ماده یک و اینکه چطور مشتکی عنه آنها را مرتكب شده است از جمله تاریخ، زمان و صحنه وقوع جرم و نیز نام‌های قربانیان و گواهانی كه می‌شناسد، باشد. هم‌چنین اعتراف‌کننده باید هرگونه اطلاعاتی كه در مورد شركا، هم‌دستان و معاونان و دیگر اطلاعات سودمندی كه امکان پیگرد كیفرى را ممكن می‌نماید ابراز دارد. اعتراف باید حاوی عذرخواهی به خاطر انجام جنایات نیز باشد.

همه متهمان می‌توانند از اعتراف و آثار آن بهره‌گیرند. به موجب ماده ۵ حق متهم برای استفاده از امتیازات مقرر برای اعتراف تا پیش از ارایه پرونده‌ی او به رییس دادگاه صالح پابرجاست. این حق تنها برای یکبار قابل اجراست و نکته مهم این است که اعتراف قابل رجوع است در هر زمان البته پیش از آنکه این اعتراف دوباره رسماً در دادگاه ابراز گردد.

درباره آثار اعتراف باید گفت، اثر اعتراف بر حسب اینکه پیش و یا پس از صدور قرار پیگرد و یا اینکه اعتراف از سوی اشخاص متهم در فهرست نخست و یا دیگر فهرست‌ها صورت بگیرد، تفاوت می‌نماید. ماده ۹ قانون بنیادین در همین رابطه و درباره اشخاص متهم به ارتکاب جرایم مندرج در فهرست نخست مقرر می‌دارد « با وجود مقررات ماده ۵ اشخاصی که به جرم خویش اعتراف می‌نمایند و اشخاصی که در فهرست نخست قرار نگرفته‌اند چنانچه اعتراف آن‌ها کامل و دقیق باشد، در فهرست نخست قرار نخواهند گرفت و اگر هم اعتراف آن‌ها، آنان را مشمول فهرست نخست قرار دهد، در این صورت جزو مجرمان فهرست دوم قرار خواهند گرفت. اگر متهمان پیش از آنکه نام اشخاص مندرج در فهرست نخست منتشر گردد، اعتراف نمایند، در صورتی که اعمال ارتكابی آن‌ها، آنان را مشمول طبقه نخست قرار دهد، در این صورت آن‌ها در همان فهرست قرار خواهند گرفت».

در رابطه با دیگر مجرمان اگر محکومیت متهم به دنبال اعتراف و پیش از پیگرد او اعلام گردد، در مجازات او تخفیف اعمال خواهد شد، به این شکل که؛ اشخاصی که در فهرست دوم قرار می‌گیرند، به ۷ تا ۱۱ سال زندان محکوم خواهند شد و اشخاصی که در فهرست سوم قرار می‌گیرند، به مجازاتی برابر با یک سوم مجازاتی که دادگاه معمولاً صادر می‌نماید، محکوم خواهند شد.

چنانچه محکومیت متهم به موجب اعتراف او باشد، البته پس از آغاز پیگرد قانونی در مورد او، مجازات به شرح زیر کاهش می‌یابد؛ اشخاصی که در فهرست دوم قرار دارند، به مجازات زندان از ۱۲ تا ۱۵ سال محکوم خواهند شد و اشخاصی که در فهرست سوم هستند، به مجازاتی برابر با نیمی از مجازاتی که دادگاه معمولاً صادر می‌نماید، محکوم می‌شوند.

مشکلات دادگاه‌های ملی رسیدگی کننده به جرایم مرتبط با نسل‌کشی در رواندا

نبود تجهیزات و نیروی انسانی و کندی روند محاکمات

پس از وقوع نسل‌کشی، سیستم قضایی که به منظور رسیدگی به جنایات آغاز به کار نموده

بود، سیستمی نوپا بود، زیرا هم از لحاظ نیروی انسانی و هم از لحاظ تجهیزاتی این سیستم در جریان درگیری‌ها خسارات هنگفتی دیده بود. نابودی سیستم قضایی رواندا از نخستین اهداف عاملان جنایات در جریان نسل‌کشی در این کشور بود. کشته‌شدن ۲۴۴ دادرس از مجموع ۷۴۴ دادرس این کشور و تبعید بسیاری دیگر از بازماندگان آن‌ها گواهی بر این گفته خواهد بود. در اواخر سال ۱۹۹۷ دادگاه‌های ملی تنها با ۵۰ وکیل و نیروی اداری و تجهیزات اندک شروع به کار نمودند. این درحالی بود که ۱۳۰ هزار زندانی نیاز به دادگاه‌های ملی گسترده و توانایی داشتند (تیمنسن، ۲۰۰۴، ص ۶۱).

در خصوص آرای صادره از سوی دادگاه‌های داخلی رواندا، در گزارشی که از سوی سازمان عفو بین‌الملل در سال ۲۰۰۲ منتشر گردید، مشخص شده است که از سال ۱۹۹۷ میلادی حدود ۷۱۸۱ نفر در دادگاه‌های ملی مرتبط با جرایم نسل‌کشی محاکمه شده‌اند. از این شمار حدود ۹/۵ درصد اعدام، ۲۷/۱ درصد به حبس ابد، ۴۰/۵ درصد به حبس قطعی محکوم و ۱۹/۱ درصد نیز آزاد گشته‌اند.^۲ این گزارش هم‌چنین نشان می‌دهد که شمار مجازات مرگ صادر شده از سوی این دادگاه‌ها از ۳۰ درصد مجازات‌ها در سال ۱۹۹۷ به ۳/۴ درصد در سال ۲۰۰۲، حبس ابد از ۳۲/۴ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۲۰/۵ درصد کاهش و حبس قطعی از ۲۷/۷ به ۴۷/۲ درصد در سال ۲۰۰۲ افزایش یافته است. شمار آزادشدگان نیز نسبت به سال ۱۹۹۷ سه برابر شده است. آمارهای نوین نیز حکایت از این امر دارند که بیش از ۸۰ هزار متهم به نسل‌کشی در زندان‌هایی که برای پانزده هزار زندانی ساخته شده است، زندانی هستند. از این تعداد تنها ۶۵۰۰ نفر یعنی ۶ درصد از کل بازداشت‌شدگان محاکمه شده‌اند. در همین رابطه، در آگوست ۲۰۰۳ وزیر دادگستری رواندا اعلام نمود که از ۱۳۰ هزار زندانی، ۶۵۰۰ نفر، از آن‌ها که مرتبط با دعاوی نسل‌کشی می‌شدند توسط دادگاه‌های ملی محاکمه شده‌اند که از این شمار ۷۰۰ نفر کیفر مرگ

1. Tiemessen

۲. از شمار آزادشدگان، بیش از ۳۰ هزار نفر آزادی مشروط دریافت نموده‌اند. مستند حکم بسیاری از آن‌ها فقدان مدرک، سن کم و یا بیماری بوده است. البته بسیاری از این افراد بدین خاطر که به ارتکاب نسل‌کشی مجبور شده بودند با آزادی مشروط روبرو شدند و بسیاری از آن‌ها مکلف شدند در محاکم (شوراها) گاکاکا حضور یابند.

دریافت نموده‌اند.^۱ به هر روی، این آمار از محاکمات به خوبی میزان و شتاب رسیدگی به جنایات را نشان می‌دهد که نتیجه آن وضع اسف بار زندانیان در زندان‌های شلوغ و پر از بیماری در این کشور بود.

نگرانی‌های بین‌المللی

هم‌چنین از دیگر مشکلاتی که این دادگاه‌ها با آن روبرو بودند، ایرادات و نکوهش‌هایی بود که از سوی سازمان‌های حقوق بشر بر جریان دادرسی این دادگاه‌ها وارد می‌شد. مواردی چون تجاوز از تضمینات دادرسی عادلانه و عدم رعایت بی‌طرفی از مهم‌ترین ایرادات به شمار می‌آید.

دیگر مشکل، وجود مجازات اعدام بود. در این رابطه باید گفت، اگر چه این نوع کیفر به مجرمان طبقه نخست در قانون بنیادین رواندا اختصاص دارد و دادگاه‌ها نیز این مجازات را در صدها مورد صادر نموده‌اند، اما در جولای ۲۰۰۷ حکومت رواندا به عنوان نخستین کشور در منطقه دریاچه‌های بزرگ آفریقا کیفر مرگ را در این کشور منسوخ اعلام نمود.^۲ پافشاری بر روی مجازات اعدام یکی از برجسته‌ترین دلایلی بود که مانع انتقال بازداشت‌شدگانی که توسط دادگاه رواندا نگه داشته می‌شدند و انتقال متهمان به نسل‌کشی در خارج از رواندا، به دادگاه‌های ملی رواندا به شمار می‌رفت. حتی در جریان ایجاد دادگاه بین‌المللی کیفری این کشور، حکومت رواندا بر ضرورت قید این مجازات در اساسنامه این دادگاه برای محاکمه جنایتکاران اصرار می‌ورزید (پسکین، همان، ص ۱۶۳). شاید تغییر رویه حکومت این کشور به خاطر برداشت مقامات حکومت رواندا از این حقیقت باشد که اعمال اینگونه مجازات‌ها با اهداف محاکمات در تعارض است و یا اینکه به خاطر اعتراض‌ها و فشارهای سازمان‌های بین‌المللی و از همه مهمتر موقعیت دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا باشد. زیرا همان‌طور که گفته شد، این دادگاه پرونده‌هایی را که در آن متهم یا متهمان ممکن بود با مجازات مرگ کیفر داده شوند، به دادگاه‌های ملی ارجاع نمی‌نمود (درومبل، همان، ص ۱۴).

1. "Court Sentences 11 to Death for Genocide" 4 August 2003. Available at: <http://www.theage.com.au/articles/2003/08/03/1059480617034.html>

2. Great Lakes Region

3. Rwanda-Amnesty International Report 2008. available at: <http://www.amnesty.org/en/library/info/AFR47/002/2007/en>

گاکاکا^۱

گاکاکا روش سنتی حل نزاع در روانداست. دولت رواندا، به سنت حل نزاع تغییر روش داد تا از این طریق به بررسی حوادث مرتبط با نسل‌کشی و جرایم برضد بشریت در فاصله زمانی اول اکتبر ۱۹۹۰ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ پرداخته شود.

شکل کنونی گاکاکا مبتنی است بر اجرای سنتی در جامعه روندا که در آن اعضای یک منطقه در حل و فصل نزاع میان اعضای آن منطقه و در مجازات جرایمی که توسط افراد آن منطقه رخ داده است، شرکت می‌نمودند. در معنای سنتی این نظام، مردان به عنوان دادرس گزینش می‌شدند و افراد آن منطقه درباره حوادثی که در آنجا رخ داده شهادت می‌دادند. افزون بر این، خانواده مجرم در قبال خسارات ناشی از جرم مسئول بودند و مجرم دوباره شانس حضور مجدد در میان مردم را می‌یافت. سیستم قضایی کاملاً آزاد بود، به طوری که کل افراد آن منطقه در حل و فصل نزاع درگیر بودند. قانون ایجاد کننده محاکم گاکاکا با شکلی نوین نیز در تلاش برای استقرار اهداف موجود در نظام سنتی این نوع محاکم است. به عبارت دیگر، هدف از استقرار چنین نهادی تنها مجازات مجرمان نیست، بلکه هدف اصلی دستیابی به حقایق مرتبط به نسل‌کشی در این کشور است.

دلایل ایجاد گاکاکا

دلایل بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد، چرا حکومت این کشور اقدام به تأسیس این نوع محاکم نمود. دلیل نخست آنکه از لحاظ اداری و مدیریتی بسیاری از بازداشت شدگان از سال ۱۹۹۴ به زندان افتاده و در انتظار محاکمه بودند. البته اگرچه به خاطر نقش آفرینی محاکم ملی پیشرفت خوبی در این زمینه دیده می‌شد، ولی با این حال، با وضع موجود، اگر همه پرونده‌ها به دنبال ختم رسیدگی بودند، برآورد می‌شد، چیزی نزدیک به یک قرن طول می‌کشید که این هدف برآورده گردد. دوم آنکه تنوع واکنش‌های حقوقی در برابر نسل‌کشی و طلب ساز و کارهایی که به بازسازی و اعاده آرامش به این کشور کمک کند، دولت این کشور را وادار ساخت که با منظور داشتن این اهداف، یعنی بازسازی این کشور و بازگردانی صلح و آرامش و کیفر مجرمان، نهادهای قضایی گاکاکا را تأسیس نماید. چهارچوب محاکم گاکاکا به گونه‌ای

۱. گاکاکا در زبان رواندایی به معنای دادرسی بر روی چمن زار است.

است که اعمال مجازات بر مجرمان، امکان اصلاح خود را به گونه‌ای که آن‌ها بتوانند دوباره وارد جامعه گردند، می‌دهد. دلیل سوم مشارکت مردم است که این هدف با ایجاد و ترویج فضای مردمی برای بحث و تصمیم‌سازی در مورد موضوعات مرتبط با متهم پدید می‌آید. و از این جهت گاکاکا شبیه به کمیسیون حقیقت یاب و آشتی آفرین جنوبی^۱ است. دلیل دیگر اینکه استقرار این نوع محاکم منجر به کشف حقیقت می‌گردد و در نهایت، ایجاد این نوع محاکم نوعی اعمال اقتدار برای حکومت است. زیرا، دولت این کشور با تأسیس این محاکم به نحو فعالانه‌ای در جریان محاکمات دخالت خواهد داشت و حتی المقدور راهکارهای خویش را برای گشایش مسایل مرتبط با نسل‌کشی و پیامدهای آن به کار خواهد بست. بنابراین، ایجاد محاکم گاکاکا تلاشی است برای محاکمه کسانی که در نسل‌کشی شرکت داشتند و بازگرداندن آرامش به جامعه با مباحثات آزاد درباره حوادثی که در هر منطقه در خلال نسل‌کشی رخ داده است و وادار کردن عاملان جنایات برای پذیرش نقش خود در جریان نسل‌کشی. حکومت رواندا نیز اعلام نمود که برپا داشتن این محاکم تنها شانس این کشور برای اعاده آرامش و آشتی ملی به این کشور است (پیتچ^۲، ۲۰۰۲، ص ۲).

هم‌چنین ضعف دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا و کشته‌شدن بسیاری از قضات در جریان نسل‌کشی در این کشور و حتی پس از بازسازی نظام قضایی این کشور، ناتوانی دادگاه‌های ملی برای به دست گرفتن محاکمه جنایات سنگین، حکومت رواندا را وادار به ایجاد دادگاه‌هایی همچون شوراهای سنتی ملقب به گاکاکا نمود. اساس کار محاکم گاکاکا به خوبی بیانگر مفهوم عدالت ترمیمی^۳ است زیرا جریان کاری آن‌ها، هم بر تشفی خاطر از قربانیان و هم اصلاح مرتکبان، اقرار و همکاری مجرمان با مسؤولان قضایی و بازپروری و بازگرداندن مجدد مرتکبان به جامعه تمرکز یافته است. این ویژگی‌ها باعث شد که این نهاد با ماهیت عدالت جزایی و تنبیهی دو دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا و دادگاه‌های ملی این کشور تفاوت داشته باشد (تیمسن، همان، ص ۵۱).

1. South Africa's Truth and Reconciliation Commission

2. Pitsch

3. Restorative Justice

ساختار و تشکیلات قضایی محاکم گاکاگا

گاکاگا یک شورای محلی و روستایی است و در همین سطح انجام کار می‌نماید. این نهاد به واسطه قانونگذاری، سازماندهی و اصول و قواعد آن پی ریزی شده است. این اصول و قواعد که مبنای صلاحیت گاکاگا می‌باشد در آغاز در سال ۲۰۰۰ تصویب^۱ و این محاکم با شکلی جدید در سال ۲۰۰۱ ایجاد شدند و رسماً در سال ۲۰۰۲ فعالیت خویش را آغاز کردند. این قانون متعاقباً مورد اصلاح قرار گرفت که مهمترین اصلاحیه آن در سال ۲۰۰۴ و آخرین اصلاحیه آن در سال ۲۰۰۸ صورت گرفته است.

در نظام قضایی نوین، هر دادگاه گاکاگا دارای تشکیلاتی است که کار دسته بندی میان مجرمان، بررسی درباره جرایم، گزارش در باره روند رسیدگی‌ها و استماع تجدید نظرخواهی از احکام دادگاه‌های پایین‌تر را بر عهده خواهند داشت.

تقسیم بندی میان دادگاه‌ها بر اساس تقسیمات اداری در کشور است و به طور کل دادگاه‌های گاکاگا در سه سطح قرار می‌گیرند. دادگاه‌های سطح محله‌ها^۲، دادگاه‌های سطح روستاها^۳ و دادگاه‌های پژوهش در سطح روستاها^۴. پایین‌ترین سطح، سطح محله‌هاست. دادگاه‌های این سطح به جرایم مجرمان در طبقه سوم (جرایم علیه اموال) رسیدگی خواهند کرد. در این سطح امکان تجدیدنظرخواهی از احکام وجود ندارد. دادگاه‌های این سطح مسئول دسته‌بندی همه پرونده‌های متهمان به نسل‌کشی و مسئول تنظیم نمودن دعاوی متناسب برای دادگاه‌های بالاتر هستند. (ماده ۴۱ قانون بنیادین مصوب ۲۰۰۴ و ماده ۷ قانون بنیادین ۲۰۰۷).

سطح بالاتر از سطح محله‌ها، سطح روستاهاست. دادگاه‌های این سطح کار رسیدگی به

1. The Organic Law for the Creation of Gacaca Jurisdiction (March 15, 2001)

این قانون فهرستی از مجرمان، مجازات‌ها، ساختار قضایی محاکم اعم از شعبات بدوی و پژوهش ارائه داده است و صلاحیت در آن به حوادث رخ داده از اول اکتبر ۱۹۹۰ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۴ محدود شده است.

2. Cell Level

3. Sector Level

۴. در هر بخش از استان‌های کشور رواندا دادگاه‌های سطح روستا و محله بسیاری وجود دارد و برای نمونه در بخش انگوما (District of Ngoma) از استان شرقی رواندا ۵۰ دادگاه روستایی و در بخش کایونزای (District of Kayonza) این استان ۴۳ دادگاه روستایی وجود دارد. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

<http://www.inkiko-gacaca.gov.rw/pdf/abaregwa%20english.pdf> (The official Web Site of National Service of Gacaca Jurisdiction)

دعای طبقه دوم جرایم را برعهده دارند. این دادگاه‌ها مرجع تجدیدنظر از احکام دادگاه‌های سطح محله‌ها هستند (ماده ۴۲ قانون بنیادین ۲۰۰۴ و ماده ۸ قانون بنیادین ۲۰۰۷).

سطح دیگر از دادگاه‌ها، دادگاه‌های پژوهش هستند که مرجع تجدیدنظر خواهی از احکام دادگاه‌های سطح روستا خواهند بود (ماده ۴۳ قانون بنیادین ۲۰۰۴ و ماده ۹ قانون بنیادین ۲۰۰۷).

دادگاه‌های گاکاکا از لحاظ ساختاری یکسان هستند. یک کمیته هماهنگ کننده^۱ و مجمع عمومی در هر سطح برای هر دادگاه ایجاد می‌گردد. در سطح محله، مجمع عمومی از همه افراد ۱۸ سال یا بالاتر که در محدوده حوزه قضایی آن دادگاه زندگی می‌کنند، تشکیل می‌گردد. (ماده ۶ قانون بنیادین ۲۰۰۴ و ماده ۳ قانون بنیادین ۲۰۰۸) مجمع عمومی هر دادگاه سطح محله از میان خودشان ۷ دادرسی اصلی و دو دادرسی جانشین و یا در صورت لزوم دادرسی بیش‌تر برای دادگاه انتخاب می‌نمایند (ماده ۱۳ قانون بنیادین ۲۰۰۴ و ماده ۴ قانون بنیادین ۲۰۰۸).

مجمع عمومی دادگاه‌های بخش روستا از اعضای دادگاه‌های محله ایجاد کننده آن دادگاه روستا، اعضای دادگاه روستا و اعضای دادگاه پژوهش تشکیل می‌گردد (ماده ۷ قانون بنیادین ۲۰۰۴)^۲. مجمع عمومی هر دادگاه روستا از میان خود ۷ دادرسی اصلی و ۲ دادرسی جانشین برای هر شعبه از دادگاه پژوهش و ۷ دادرسی اصلی و ۲ جانشین برای هر شعبه دادگاه روستا انتخاب خواهد کرد (ماده ۴ قانون بنیادین ۲۰۰۸).

اعضای هر شعبه دادگاه گاکاکا از میان خود با اکثریت نسبی اعضای کمیته هماهنگ کننده را با تعیین نمودن یک رییس، دو نایب رییس و دو منشی برای مدت یکسال انتخاب می‌نمایند (ماده ۱۱ قانون بنیادین ۲۰۰۴) این کمیته وظیفه تشکیل جلسات، مسؤولیت جلسات، هماهنگ کننده فعالیت‌های شعبات گاکاکا، ثبت شکایات، شهادت‌ها و دلایل ارایه شده توسط مردم، ثبت تجدید نظرخواهی تنظیم شده علیه احکام صادر شده دادگاه، ارسال احکام تجدید نظر خواسته شده به دادگاه‌های پژوهش گاکاکا، ثبت تصمیمات اتخاذ شده توسط نهادهای دادگاه و همکاری با دیگر نهادها در اجرای آرای اتخاذ شده توسط دادگاه گاکاکا را بر عهده خواهد داشت (ماده ۱۲ قانون بنیادین ۲۰۰۴).

1. Coordinating Committee
2. Article 7 of Organic law (2004)

قضات این محاکم از ریش سفیدان^۱ و خبرگان هستند. در سال ۲۰۰۱ بیش از دو بیست و شصت هزار نفر از سرتاسر این کشور انتخاب شدند که تقریباً در یازده هزار دادگاه حضور داشتند. البته، ملاک اصلی این انتخاب ویژگی‌های اخلاقی بود نه تخصص قضایی (طباطبایی و میری، ۱۳۸۵: ص ۳۹). این دادگاه‌ها اصول و قواعد کیفری را که توسط شعبات ویژه‌ای از دادگاه‌های ملی اعمال می‌گردد، در احکام خود اعمال می‌نمایند. ماده ۲۹ قانون بنیادین مصوب ۲۰۰۴ بیان نموده است که محاکم گاکاکا صلاحیت مشابهی با دادگاه‌های ملی دارند و حتی می‌توانند قرار جلب نیز صادر نمایند.

صلاحیت‌ها

صلاحیت موضوعی

قانون بنیادین مصوب ۲۰۰۴ همراه با اصلاحات بعدی به ویژه در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ فهرستی از انواع جرایم تدارک دیده است. نوع مجازات در این قانون زندان و انجام خدمات اجتماعی است. ماده ۵۱ بنیادین ۲۰۰۴ و ماده ۱۱ قانون بنیادین سال ۲۰۰۷ و ماده ۹ آخرین اصلاحیه این قانون در سال ۲۰۰۸ سه طبقه از مجرمان را احصاء می‌نمایند. طبقه نخست شامل برنامه‌ریزان، رهبران و سازمان دهندگان نسل‌کشی و جنایات علیه بشر و اشخاصی که نقش رهبر یک منطقه خاص و یا رهبریت یک حزب سیاسی، نظامی و مذهبی که اقدام به نسل‌کشی یا تشویق دیگران به نسل‌کشی نموده‌اند، افرادی که دیگران را تشویق به ارتکاب نسل‌کشی نموده‌اند و یا آن‌ها را تأمین مالی کرده‌اند و افرادی که جرایم تجاوز جنسی و شکنجه جنسی را انجام داده‌اند، می‌گردد طبقه دوم شامل شکنجه‌گران، قاتلان بدنام و بالفطره و اشخاصی که اعمال غیر انسانی را در مورد اجساد مرتکب شده‌اند، کسانی که به قصد کشتن اقدام به تهاجم نموده‌اند ولی به توفیقی دست نیافته‌اند و کسانی که دیگر جرایم را بدون قصد کشتن مرتکب شده‌اند، می‌گردد و طبقه سوم شامل کسانی می‌گردد که جرایم برضد اموال را مرتکب شده‌اند. محاکم گاکاکا صلاحیت رسیدگی به جرم مجرمان مشمول طبق اول را نخواهند داشت. این

۱. در زبان محلی به دادرسان گاکاکا «یانگاموگای» "Inyangamugayo" یعنی اشخاصی که از عدم صداقت

بیزارند، گفته می‌شود.

2 Article 51 Organic Law (2004) as Amended by Organic Law No. 10/2007, Art. 11 and Organic Law 6/2008, Article 9.

مجرمان در دادگاه‌های رسمی تری مورد محاکمه قرار می‌گیرند. بنابراین محاکم گاکاکا تنها به جرایم مجرمان طبقه دوم و سوم رسیدگی خواهند کرد.

روش کار این محاکم بدین گونه است که متهمان می‌بایست در محلی که جنایات خود را در آنجا مرتکب شده‌اند، آورده شوند. شیوه دادرسی در گاکاکا عملاً هزینه‌ها را برای گواهان و قربانیان کاهش داده است و راه را برای دستیابی هر چه بهتر به عدالت تسهیل نموده است. در جریان دادرسی در محاکم، عموم می‌توانند مسایل خویش را مطرح نمایند^۱. بنا بر این رویه دادرسان می‌توانند به حقایق و جزئیات دقیقی در جریان محاکمات دست یابند.

صلاحیت زمانی

مطابق ماده یک قانون بنیادین ۲۰۰۴، دادگاه‌های گاکاکا بر جرایم ارتکاب یافته بر بشریت و نسل‌کشی در فاصله زمانی^۱ اکتبر ۱۹۹۰ تا ۳ دسامبر ۱۹۹۴ و دیگر جرایم توصیف شده توسط قانون مجازات کشور رواندا که با قصد مجرمانه ارتکاب یافته‌اند، صلاحیت دارند.^۲ اما، این صلاحیت باید براساس اعلام دادستان عمومی و یا شهادت شاهدان عینی جنایات و یا اعترافات عاملان به جنایات صلاحیت باشد.^۳

صلاحیت مکانی

به موجب ماده ۴ قانون بنیادین ۲۰۰۴ گاکاکا، قلمرو صلاحیت دادگاه‌های گاکاکای محله در سطح محله، قلمرو صلاحیت دادگاه‌های گاکاکا روستا و قلمرو صلاحیت دادگاه پژوهش در سطح روستا است.

۱. مطابق ماده ۶ قانون بنیادین ۲۰۰۴، تنها در دادگاه‌های سطح محله، بزرگسالان آن منطقه باید در دادگاه حاضر باشند. حضور اجباری در سطح روستا به اعضای شعب گاکاکا در آن ناحیه محدود شده است. روی هم رفته، حضور اجباری مردم یکی از نوآوری‌های مهم این قانون است. آنچه در این حضور اجباری مهم است این است که هر یک از حاضران می‌توانند درباره‌ی موضوعات در حال بررسی، سخن بگویند و هیچ تشریفات و رویه خاصی برای آن نیست. با وجود این، مشارکت مردم در جریان اجرای آزمایشی ایجاد محاکم گاکاکا از سال ۲۰۰۱ به طور فزاینده‌ای در سطح پایین بود.

۲. محدوده صلاحیت زمانی دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا از اول ژانویه ۱۹۹۴ تا دسامبر همان سال است

3. Article 1 of Organic Law 2004

مجازات‌های قابل اعمال

ماده ۵۴ قانون بنیادین ۲۰۰۴ بیان می‌دارد که در صدور مجازات‌ها تمرکز بر روی اقرار، عذر مخففه و رافع مسؤولیت و درخواست بخشش (که به صورت علنی از بازماندگان و جامعه رواندا درخواست شده باشد) قرار می‌گیرد. مواد ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ قانون بنیادین ۲۰۰۴ و اصلاحات این مواد توسط ماده ۱۴ قانون بنیادین ۲۰۰۷ و ماده ۱۷ قانون ۲۰۰۸ اینگونه مجازات‌های قابل اعمال بر مجرمان را مقرر داشته‌اند؛ مجرمان مشمول طبقه اول از فهرست مجرمانی که توسط این قانون ارائه شده است، اگر از اقرار خودداری نمایند و یا اقرار آن‌ها مورد پذیرش قرار نگیرد به حبس ابد محکوم خواهند شد. البته، تا سال ۲۰۰۷ دادرسی مخیر به صدور حکم اعدام و یا حبس ابد بود (ماده ۷۲ قانون بنیادین ۲۰۰۴ و ماده ۱۳ قانون بنیادین ۲۰۰۷). اما اگر آن‌ها بنا بر وصف مقرر در قانون اعتراف نمایند و اعترافشان مورد پذیرش قرار گیرد، در صورتی که اقرار آن‌ها پس از اینکه نام آن‌ها در فهرست اشخاص متهم به ارتکاب این جنایات درج شده باشد، صورت گرفته باشد، این اشخاص به ۲۵ تا ۳۰ سال زندان محکوم خواهند شد ولی اگر پیش از درج شدن نام آن‌ها در فهرست اشخاص متهم به ارتکاب چنین جنایاتی اعتراف صورت گیرد، به ۲۰ تا ۲۴ سال زندان محکوم خواهند شد (ماده ۱۷ قانون بنیادین ۲۰۰۸).^۱ مجرمان طبقه دوم، چنانچه از اعتراف به جرم خودداری ورزند و یا اعتراف آن‌ها مورد پذیرش قرار نگیرد، به ۳۰ سال زندان تا حبس ابد محکوم خواهند شد. اما اگر اعتراف نمایند چنانچه اعتراف آن‌ها پس از درج نام آن‌ها در فهرست اشخاص متهم به ارتکاب چنین جنایاتی صورت گرفته باشد، به ۲۵ تا ۲۹ سال حبس محکوم خواهند شد که از این مقدار مجازات، یک سوم آن در زندان، یک ششم معلق و یک دوم دیگر تحت عنوان خدمات اجتماعی سپری خواهد شد. ولی اگر اعتراف آن‌ها پیش از درج نام آن‌ها در این فهرست صورت بگیرد، به ۲۰ تا ۲۴ سال زندان محکوم خواهند شد که از این میزان مجازات، یک ششم در زندان، یک سوم معلق و یک دوم تحت عنوان خدمات اجتماعی سپری خواهد شد (ماده ۱۴ قانون بنیادین ۲۰۰۷).^۲ کیفر مجرمان مشمول طبقه سوم تنها جبران خسارات مدنی خواهد بود.

1. Article 72 Organic Law (2004) as Amended by Organic Law No. 6/2008, Art. 17.

2. Article 73 Organic Law (2004) as Amended by Organic Law No. 10/2007, Art. 14.

مشکلات موجود برای گاکا

نگرانی‌های بین‌المللی

در مورد ساختار و طرز کار این دادگاه‌ها انتقادات بسیار شده است. گفته شده است که حکومت و مردم این کشور توانایی لازم برای تضمین رعایت معیارهای دادرسی عادلانه را در محاکمه جانیان نخواهند داشت. متخصص نبودن دادرسان و نبود وکلای مدافع به میزان کافی از دیگر نگرانی‌ها به شمار می‌آید (لانگ من، همان، ص ۳۰۷). البته نگرانی مهم در مورد قانون بنیادینی می‌باشد که این دادگاه مبتنی بر آن است. زیرا، گفته می‌شود، اصول و قواعد موجود در این قانون ارتباط و پیوستگی با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل کیفری ندارند. از طرفی، شیوه دادرسی این محاکم به نوعی از لحاظ روانی زنده‌کننده‌ی خاطرات بد قتل، کشتار و خونریزی خواهد بود. ملتی که بیش از هر چیز دیگری نیاز به فراموشی خاطرات بد دارد باید دوباره با حضور در چنین دادگاه‌هایی در معرض محرکات روانی و نمایش چندباره کشتار قرار گیرد. هم‌چنین سازمان‌های بین‌المللی نیز به نبود آموزش درست دادرسان این دادگاه‌ها و تخطی این دادگاه‌ها از جریان درست قانونی^۱ اشاره می‌نمایند. اما، حکومت رواندا بسیاری از مشکلات را غیر قابل اجتناب خوانده و لازمه محاکمه هرچه سریع‌تر خیل عظیم متهمان را ایجاد چنین دادگاه‌هایی دانسته است.

در پاسخ به این انتقاد که مقررات تشکیل دهنده و اداره کننده این دادگاه‌ها، مطابق اصول و قواعد حقوق بین‌المللی نیستند، گفته می‌شود که اصول و قواعد حقوق بین‌المللی کیفری به گونه‌ای تنظیم نشده‌اند که از موضوعاتی صحبت نمایند که آن موضوعات در اصل با مخاطبان بسیاری روبروست، از جمله قربانیان و جنایتکارانی که دوباره در کنار هم زندگی می‌کنند. به دیگر سخن، نقش مناطق بحران‌زده به طور کامل توسط این اصول و قواعد در نظر گرفته نمی‌شود، زیرا مثلاً در رواندا، پس از توقف کشتار گسترده‌ی مردم، هر دو طرف (متجاوز و قربانی)، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. حال آنکه، اصول و قواعد حقوق بین‌المللی کیفری کم‌تر این ویژگی را مدنظر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، اگر قرار بود، حکومت رواندا همچنان بر دادگاه‌های ملی تکیه می‌نمود، به خاطر کندی روند محاکمات و وضع زندانیان، اصول و قواعد بین‌المللی بیش‌تری به زیر پا نهاده می‌شد (تیمسن، همان، ص ۶۵).

1. Due Process of Law

برآورده نشدن انتظارات

اگرچه توسل به دادرسی‌های مردم محور^۱ دادگاه‌های گاکاکا برای محاکمه جنایتکاران و افزایش سرعت دادرسی‌ها، در جوامعی که با چنین جنایاتی روبرو بودند، همچون اوگاندا، شمالی، بروندي، جمهوری دموکراتیک کنگو مورد توجه قرار گرفت و نیز با وجود برخی از ویژگی‌هایی که در ایجاد چنین محاکمی نقش داشتند، نمی‌توان به سادگی از مشکلاتی که این دادگاه‌ها با آن‌ها دست به گریبان بودند، گذشت. با وجود اینکه این محاکم از سال ۲۰۰۱ بنا نهاده شدند، اما عملاً تا ژوئن ۲۰۰۳ فعالیت آن‌ها کند و ایستا بود. از این زمان به بعد نیز تنها ۷۶۰ محکمه گاکاکا کار خود را آغاز نمودند. آن‌ها به صورتی که اغلب آن‌ها در مراحل پیش از دادرسی متوقف ماندند (درومبل^۲، ۲۰۰۲، ص ۲۱).

برخی از دادگاه‌های گاکاکا که از سال ۲۰۰۱ طی یک دوره برنامه آزمایشی ایجاد شده بودند و شروع به فعالیت نمودند تا سال ۲۰۰۵ در مراحل پیش از دادرسی متوقف ماندند در حالی که دیگر دادگاه‌ها، تنها از جولای ۲۰۰۵ وارد مراحل پیش از دادرسی شدند به طوری که عملاً محاکمه اشخاص مرتبط با جنایات مرتبط به نسل‌کشی در این دادگاه‌ها، از ده مارس ۲۰۰۵ آغاز گردید^۳. البته باید توجه داشت که محاکمات واقعی ۹۰ درصد از دادگاه‌ها تا جولای ۲۰۰۶ آغاز نشد. بنابراین، این است که جریان کاری این دادگاه‌ها به صورت چشمگیری جمعیت مظنونان و بازداشت شدگان در انتظار محاکمه را به جای کاهش دادن آن‌ها، افزایش داده است درحالی که در ابتدای ایجاد این دادگاه‌ها قول کاهش آن‌ها داده شده بود (هایلی^۴، ۲۰۰۸، ص ۳۸).

هم‌چنین، اگرچه این دادگاه‌ها مطابق قانون خود باید بیش از یک روز در هفته تشکیل جلسه دهند. ولی در جریان طرح آزمایشی این دادگاه‌ها، تاخیرهای چندباره در تشکیل جلسات این دادگاه‌ها عملاً یکی از موانع جدی بر سر راه تسریع کارکرد آن‌ها بوده است.

البته، در اوایل سال ۲۰۰۷، حکومت رواندا اعلام نمود که ۸۰۰۰ بازداشت شده، آزادی

1. Community-based System

2. Drumbel

3. Report On Trials In Pilot Gacaca Courts. (The official Web Site of National Service of Gacaca Jurisdiction) .available at: <http://www.inkiko-gacaca.gov.rw/En/EnIntroduction.htm>.

4. Haile

مشروط دریافت نموده اند. بسیاری از آن‌ها به شرکت در نسل‌کشی اعتراف نموده بودند که این سومین موج آزادشدگان از سال ۲۰۰۳ در تلاش برای نظم بخشیدن به زندان‌های بسیار شلوغ در این کشور بود. تا جولای همین سال در حدود ۹۷ هزار زندانی وجود داشت. این شمار در سپتامبر ۲۰۰۳ به دنبال دستور رسمی که اجازه می‌داد برخی از بازداشت‌شدگان در راستای اجرای کارهای سودمند به نواحی خاصی انتقال داده شوند به ۷۰ هزار نفر کاهش یافت. با وجود همه این‌ها، شرایط زندان همچنان سخت، ظالمانه و غیرانسانی باقی مانده است.^۱

نتیجه

آغازگر درگیری‌های داخلی در کشور رواندا، سقوط هوایم‌ای حامل رییس‌جمهور این کشور بود و به نظر می‌رسد، ادله کافی موجود است که نشان دهد که هتوهای افراطی که از اصلاحات قدرت از سوی رییس‌جمهور وقت این کشور، ناراضی بودند، اقدام به قتل او کردند و به این ترتیب، آشوب داخلی گسترده‌ای را دامن زدند.

پس از پایان درگیری‌ها در رواندا، در کنار اندک محاکمات دادگاه‌های خارجی و دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا، دادگاه‌های ملی ویژه‌ای به موجب قانون بنیادین مصوب ۱۹۹۶ این کشور محاکمه عاملان جنایات مهم همچون نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت و جنایات مندرج در قانون مجازات این کشور را بر عهده گرفتند. چرا که نهایت کوشش دادگاه بین‌المللی کیفری رواندا بر محاکمه سران جنایات تمرکز یافت. اما شمار زیاد متهمان و ضعف سیستم قضایی این کشور چه از لحاظ امکانات و چه از نظر نیروی انسانی به دلیل ویرانی‌های ناشی از جنگ داخلی منجر به روند بسیار کند دادرسی‌ها شد. به همین دلیل، حکومت این کشور همان‌گونه که خود ابراز نمود تنها راه برای شتاب بخشیدن به روند دادرسی‌ها را شرکت دادن خود مردم در دادرسی‌ها عنوان نمود و از این رو، دادگاه‌های گاکاکا را که زنده‌کننده شوراهای حل اختلاف سنتی این کشور برای محاکمه مجرمان در این کشور بود، جهت دستیابی هر چه بهتر به حقیقت به موجب قانون بنیادین در سال ۲۰۰۱ البته با ساختاری جدید و صلاحیت‌های محدودتری در مورد محاکمه مجرمان نسبت به دادگاه‌های ملی و بر مبنای شرکت دادن مردم و ریش سفیدان در جریان دادرسی‌ها تأسیس نمود. ولی این دادگاه‌ها نیز به دلیل در اختیار نداشتن

1. Rwanda-Amnesty International Report2008 .Ibid

نیروهای کاردان و نیز مردم محور بودان آن، آنچنان برآورده کننده انتظارات نبوده است.



فهرست منابع و مأخذ

۱. داوید، اریک (۱۳۸۲)، "دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگوسلاوی سابق" ترجمه مصطفی رحیمی، مجله حقوقی، شماره ۱۸ و ۱۹، صص ۱۹۳ - ۲۳۷.
۲. رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۱)، "قانون ۱۹۹۳-۱۹۹۹ بلژیک، رای ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت جهانی در بوته آزمایش"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۸، صص ۱۶۶-۱۲۷.
۳. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵)، "حقوق جزای عمومی"، جلد نخست، چاپ پانزدهم، تهران.
۴. طباطبایی، سید احمد و حمید میری (۱۳۸۵)، "دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا"، مجله اندیشه‌های حقوقی، شماره نهم، صص ۳۵ - ۶۶.
۵. کامینگا، منو تی. (۱۳۸۲)، "اعمال صلاحیت جهانی در رابطه با جرایم سنگین حقوق بشری"، ترجمه محمد جواد شریعت باقری، مجله حقوقی، شماره ۲۸، صص ۶۱ - ۱۱۴.
۶. کوشا، جعفر و علیرضا تقی پور (۱۳۸۵)، "حق دسترسی به وکیل در محاکم کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی سابق رواندا و دادگاه کیفری بین‌المللی از دیدگاه حقوق بشر"، مجله نامه حقوقی، جلد دوم، شماره یک، صص ۱۹ - ۳۴.
۷. مافی، همایون و حمید میری (۱۳۸۸)، "بازسازی حقوق بین‌الملل کیفری؛ بررسی ساختار قضایی دادگاه اختصاصی سیرالئون به منظور دست یابی به ویژگی‌های دادگاه‌هایی با سیستم حقوقی نوین"، مجله اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال ششم، شماره ۱۴، بهار و تابستان، صص ۹۹ - ۱۳۰.
8. "Court Sentences 11 to Death for Genocide" 4 August (2003), Available at: <http://www.theage.com.au/articles/2003/08/03/1059480617034.html>.
9. "Report On Trials in Pilot Gacaca Courts", (The official Web Site of National Service of Gacaca Jurisdiction), available at: <http://www.inkiko-gacaca.gov.rw/En/EnIntroduction.htm>.
10. "Rwanda-Amnesty International Report2008", available at: <http://www.amnesty.org/en/library/info/AFR47/002/2007/en>
11. Chande Othman, Mohamed C. (2005) "Accountability for International Humanitarian Law Violations: The Case of Rwanda and East Timor", First Edition, Springer Berlin Heidelberg Press.
12. Chiedu Moghalu, Kingsley (2005), "Rwanda's Genocide the Politics of Global Justice", Palgrave Macmillan, First Published, New York.
13. Drumbel, Mark A (2002), "Lessons for International Criminal Justice from

- Rwanda”, Washington & Lee Public Law and Legal Theory, Washington & Lee University, available at http://papers.ssrn.com/sol3/Delivery.cfm/SSRN_ID355300_code355132.pdf?abstractid=355300&mirid=1.
14. Drumbl, Mark A (2007), “*Atrocity, Punishment, and International Law*”, Cambridge University Press, First Published, New York.
 15. Eltrinegham, Nigel (2004), “*Accounting for Harbor, Post Genocide Detates in Rwanda*”, Pluto Press, First published, London.
 16. Fawthrop, Toward and Helen Jarvis (2004), “*Getting Away with Genocide? Elusive Jastic and The Khemr Rough Tribuna*” I, Pluto Press, First published, London.
 17. Gellately, Robert and Hiernan Ben (2003), “*The Spector of Genocide, Mass Murder in Historical Prespective*”, Cambridge University Press, ,New York.
 18. Haile ,Dadimos (2008), “*Rwanda’s Experiment in People’s Courts (gacaca) and the Tragedy of Unexamined Humanitarianism: A Normative/Ethical Perspective*”, Institute of Development Policy and Management, University of Antwerp, Belgium Discussion Paper / 2008. 01.
 19. Hartley, Ralph J. (2007), “*To Massacre: A Perspective on Demographic Competition Anthropological Quarterly - Volume 80, Number 1, Winter 2007, pp. 237-251.*”
 20. Heller, Kevin Jon. (2007), “*Deconstructing International Criminal Law*”, Michigan Law Review, Vol 106.
 21. Longman, Timothy (2009), “*An Assessment of Rwanda’s Gacaca*”, Peace Review: A Journal of Social Justice Review, 1 July, pp. 304-312.
 22. Peskin, Victor A. (2008), “*International Justice in Rwanda and the Balkans, Virtual Trials and the Struggle for State Cooperation*”, Cambridge University Press, First Published, New York.
 23. Pitsch, Anne M. (2002), “*The Gacaca Law of Rwanda: Possibilities and Problems in Adjudicating Genocide Suspects*”, Working Paper NUR-UMD Partnership, Center for International Development and Conflict Management, Tydings Hall, University of Maryland.
 24. Schabas, William A. (2007) “*An Introduction to The International Criminal Court*”, Cambridge University Press, Third Edition, New York.
 25. Sibomana, Andre (1999), “*Hope for Rwanda: Conversations with Laure Guilbert and Hervé Deguine*”, Translated by Carina Tertsakian, English-language Edition ,First Published by Pluto Press, London.
 26. Tiemessen, Alana Erin (2004) “*After Arusha: Gacaca Justice in Post-Genocide Rwanda*”, African Studies Quarterly, Volume 8, Issue 1, Fall, pp. 57-76.
 27. The Organic Law No 8/96
 28. The Organic Law No 40/2000 OF 26/01/2001
 29. The Organic Law No. 16/2004 of 19 June 2004
 30. The Organic Law No 10/2007 OF 01/03/2007
 31. The Organic Law No 13/2008 of 19/05/2007
 32. UN Doc. S/RES/827 (1993)
 33. UN Doc. S/RES/808 (1993)